

دم و بازدمِ همدم

علی‌کمالی‌روستا

نویسنده

همدم گنایون رجبی، روایتی است دم و بازدمی؛ اکسیژن روایتش بیشتر و دی‌اکسیدش کمتر. چون در ورود به هر کتابی نثر است، رواست نوشت که راوی نثری دارد روایت‌گونه، اما کدام‌گونه؟ گونه‌های قرمز پُرخونی که دقیقاً از میانه جستار راه خود را یافته است. جستار! کدام جستار؟ جستاری که ریشه در حکمت دارد؛ حکمتی امروزی که ریشه در متن واقعی زندگی دارد و زندگی کدام زندگی؟ دقیقاً «نقش مادرانگی مادر».

حدی از حکمتی که راوی درک می‌کند، زیبایی‌شناسی است؛ نه متافیزیک سنگین به‌دردنخور. احساسات غلیظ سانی‌مانتال و تجربه‌های زندگی در کوره نثر دیرهنکام-والبته به‌موقع-گداخته‌شده و شکل‌گرفته است. و عجیب آن‌جسته‌اش که مطلقاً کلمه کم نمی‌آورد.

به هر حال به قول کتاب «دستش سبک دارد».

مادر، محور کتاب است. اجازه بدهید این‌وقت و بیکهویی بنویسم، هرچاکه دیالوگ‌های کتابیونی مادر به رزمنده‌ها در جبهه‌ها آمدند، اشک‌هایم ریختند و بغض‌گلویم را فشرد. بهتر است احساساتم را کنترل کنم؛ منتقد که گریه نمی‌کند! حالا که احساساتم رو رفت، مجبورم احساس نویسنده کتاب را هم لو بدهم، ترس مرکزی راوی که تار و پود متن جذیب کرده، ترس از دست دادن، فقدان؛ و دریغ است! و با همین دریغ انسانی کتاب نوشته شده است. با این‌که جستارهای کتاب مملو از توصیفات بی‌تشریفات است، هم‌زمان مستندش به قدر کافی چگال نیست؛ که اگر جمله جستارها، ناخودآگاه در کتاب پخش نشده بودند، مخاطب متوقع متوقف می‌ماند.

کتابیون رجبی آگاهانه بسیاری ادا و اطوارها و جایزه‌گیری‌ها را با کف نفس نویسنده‌ی کنار گذاشته، تا با هزینه همه آنها، به طرح تمییز چهره مفقود و حیاتی این روزهای جامعه ما دست یابد؛ به مادرانگی.

وتلاقی زیبا، تلاقی ظرافت و مخصوصاً سلیقه نویسنده، با ظرافت، سلیقه، صلابت و حمایتگری مادری است که به قول قدیمی‌ها از هر انگشتش هنری. زبان مامان رزمنده‌ها عمق عاطفه را درنور دیده و ایدئولوژیک نیست. از عمق نگاه تاریخی به مادریت است. مادر، بدون نوستالژیک بازی، بازسازی آن بخش دنیای سَنّت، در دل دنیای مدرن است؛ برای زندگی. کاش دوربینی بود و نشان می‌داد مچری‌ها و پروژه نویسنده‌های «مادر مقدس نیست» شبکه من و تو را. وقتی به مادرشان می‌رسند. هیچ‌کس از مادر بی‌نیاز نیست؛ هیچ‌کس. چون مادر مقدس است. این را «من و ما» نمی‌گوییم، دم و بازدم‌های نوزاد در رحم می‌گوید؛ او می‌گوید «آری؛ مامان حیاتی و مقدس است».



نگاهی به سه‌جلدی «مرد ابدی»، به بهانه عملیات وعده صادق ۲

تاریخی که پیر از افتخار است



ابعاد شهید حسن طهرانی مقدم را به مخاطب نشان می‌دهد. نگاه جامع نویسنده به بخش‌های مختلف زندگی شهید طهرانی مقدم باعث شده تا مرد ابدی از ابعاد مختلف نظامی، اجتماعی و فرهنگی برای مخاطب و به‌ویژه نسل جوان، اثری خواندنی و کاربردی باشد.

شهید طهرانی مقدم، فراتر از یک فرد و حتی یک فرمانده و مدیر لایق بود. او صنعتی از صنایع نظامی و دفاعی کشور ما را نمایندگی می‌کرد و زندگی‌اش را پای آن گذاشته بود. از این رو، چنان که سپهری در مرد ابدی نشان‌مان می‌دهد، مرور کوشش‌ها و مجاهدت‌های شهید طهرانی مقدم و همکارانش، به‌نوعی بازخوانی تاریخچه موشکی جمهوری اسلامی ایران نیز محسوب می‌شود. در این تاریخچه، هم مشکلات را می‌بینیم و هم از موفقیت‌های خوانیم. هم با لحظات سختی و تنگنا مواجه می‌شویم و هم تدابیر و ابتکاراتی را که برای عبور از این سختی‌ها و تنگناها به کار بسته می‌شد، می‌شناسیم.

در بخشی از این کتاب آمده است: یک‌بار در مدرسه تستی داشتند که جواب نداد و شکست خورد. فردای آن روز، ناصر میرزایی، صنعتگری که به‌صورت پیمانی برای حاج حسن کارهای بزرگی می‌کرد و به اقتضای کارش در مدرسه حضور داشت، از شدت ناراحتی سر کار نیامد. نزدیک ظهر سلگی به او زنگ زد و گفت: «آقا ناصر! حاج‌آقا به شما کار داده.»

کجایی ناصر!؟

حاج آقا امروز سرکار نیومدم!

برای چی نیومدی؟!

ناصر سکوت کرد و حاج‌حسن شدت ناراحتی را از این سکوت فهمید.

ناصر! به‌خاطر کاری که این همه وقت گذاشتیم و این همه هزینه کردیم، اما جواب نداد، این قدر ناراحتی که نیومدی؟! ناصر! ما این قدر باید از این تست‌ها بزنیم تا جواب بگیریم! سریع بیا، گروهت را هم بیا، این کاری که بهت می‌گم انجام بده! ناصر رفت و تیمش را هم فراخواند و تا ۲۰ روز بعد، قطعه دوم را آماده، پای کار بردند و این بار جواب گرفتند. امیدی که حاج‌حسن به آدم‌ها می‌داد، هیچ‌کس دیگر بلد نبود یا نمی‌توانست بدهد! برای دمیدن در کوره امید و انگیزه یارانش باید ابتدار خودش این حرارت را زنده نگه می‌داشت! حرارتی که به او می‌گفت: «حسن! اگر می‌خواهی برای امام زمانت، رهبرت، کشورت، مردمت، و همه مظلومان تاریخ، کاری کنی، همین کار است! پس پدم و برو!»

شهید طهرانی مقدم، فراتر از یک فرد و حتی یک فرمانده و مدیر لایق بود. او صنعتی از صنایع نظامی و دفاعی کشور ما را نمایندگی می‌کرد و زندگی‌اش را پای آن گذاشته بود. از این رو، چنان که سپهری در «مرد ابدی» نشان‌مان می‌دهد، مرور کوشش‌ها و مجاهدت‌های شهید طهرانی مقدم و همکارانش، به‌نوعی بازخوانی تاریخچه موشکی جمهوری اسلامی ایران نیز محسوب می‌شود.

سرویس مقاومت خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا): انقلاب اسلامی در ذات خود دو ویژگی دارد که آن را از سایر انقلاب‌ها ممتاز می‌سازد. یکی از این دو، خاصیت و خصوصیت «پیش‌روندگی» است. حرکت انقلاب اسلامی با وجود همه موانع، همواره حرکتی روبه جلو بوده و به‌درستی می‌توان ادعا کرد در برابر ناهمواری‌ها، توطئه‌ها، محدودیت‌آفرینی‌ها، تحریم‌ها و تهدیدها هرگز متوقف نشده است.

روزهایی بر این انقلاب گذشته که اگر حوادثی که در آن روزها اتفاق افتاد، در هر کشور دیگری اتفاق می‌افتاد، قطعاً موجب سقوط نظام سیاسی در آن کشور می‌شد، ولی انقلاب اسلامی توانست با اقتدار و صلابت بی‌نظیر، آنها را هضم و با افتخار و سربلندی از آنها عبور کند و به حرکت در مسیر خود ادامه دهد.

خصوصیت دیگر انقلاب اسلامی به خاصیت «زایشگری» آن است. به‌طور معمول، نسلی که انقلاب می‌کند، پس از سپری شدن مدتی، در سراسری دست‌شستن ایده‌ها و آرمان‌های انقلابی قرار می‌گیرد و انقلاب خاصیت حامی‌پروری خود را از دست می‌دهد و به اصطلاح، عادی می‌شود. ولی انقلاب اسلامی، با این‌که در قالب یک نظام سیاسی متجلی شد، آن نظام را از جوشش انقلابی تهی‌نساخت و نشان داد پیشرفت‌ها و پیش‌روندگی‌ها تنها در پایبندی به «انقلابی‌گری» و وفاداری به ارزش‌های انقلاب ممکن است، نه در عبور از ارزش‌های انقلابی و فراموش شدن شعارهای اساسی انقلاب.

وجود و شهادت افرادی همچون شهید بهشتی، شهید مطهری، شهید همت، شهید چمران، شهید خرازی، شهید احمد کاظمی، شهید حاج قاسم سلیمانی و شهدای عزیز دیگر باعث قوام این انقلاب شد. در این میان، نمی‌توان و نباید از نقش شهید بزرگوار که بحق قهرمان ملی حوزه اقتدارآفرینی و بازدارندگی دفاعی و امنیتی است، غفلت کرد.

شهیدی که در سراسر خطوط کتاب مرد ابدی نوشته معصومه سپهری که به‌تازگی و در کمتر از چهار ماه با همکاری خبرگزاری تسنیم و نشر شهید کاظمی به چاپ سوم رسیده است، با روحیه و تلاش خود، حماسه‌ها می‌آفریند و باعث رویش جوانه‌های تازه‌ای در بدنه نظام جمهوری اسلامی ایران می‌شود؛ شهید حسن طهرانی مقدم.

مرد ابدی، روایتی است مستند از زندگی سردار شهید حسن طهرانی مقدم که نویسنده اثر توانسته بالحنی دلنشین و صمیمانه در لابه‌لای سطور کتاب، روح لطیف و انسانی و حال‌خوش‌معنوی این شهید عزیز را به کمک واژه‌ها به تصویر بکشد و خواننده را همپا و همگام با شهید تا لحظه شهادت به پیش ببرد. به‌طوری که خواننده ناخودآگاه خود را در غم و شادی «حسن» شریک می‌داند و با دلتنگی‌ها و غم خانواده در تحمل دوری «حسن» همراه می‌شود و چه‌بسا در لحظاتی دست به دعا برمی‌دارد که ای کاش «حسن» می‌آمد، یا کمی بیشتر در کنار خانواده می‌ماند. معصومه سپهری در تلاشی ۱۲ ساله که به این اثر منجر شده، تمام

شهید

طهرانی مقدم

فراتر از یک فرد و

حتی یک فرمانده

و مدیر لایق بود.

او صنعتی از

صنایع نظامی و

دفاعی کشور ما را

نمایندگی می‌کرد

و زندگی‌اش را پای

آن گذاشته بود

سند کمپانی و برگ سبز سواری **هاج یک چری**
TIGGO 5 FL مدل ۱۳۹۸ رنگ سفید روغنسی
شماره موتور WP12.430E401423C009949
شماره شاسی NC9ZDCHH2P0678045
شماره پلاک ۱۶۴ ص ۸۷ ایران ۵۶ به‌نام
احمد مهریاری مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

شناسنامه مالکیت (برگ سبز) **کامیون**
کشنده DAYUN مدل ۱۴۰۲ به شماره موتور
WP12.430E401423C009949 شماره شاسی
NC9ZDCHH2P0678045 شماره انتظامی
۹۱ ع ۸۴۸ ص ۷۳ به‌نام **وطن‌زاده سوها**
مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سند کمپانی **موتورسیکلت رهرو رنگ قرمز**
مدل ۱۴۰۳ به شماره پلاک ۷۲۴۱۴ ایران ۱۵۵
و شماره موتور 618873 و شماره شاسی 21051
به نام **داوود سلطانی** فرزند مصیب مفقود گردیده
و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

کلیه مدارک (سند کمپانی، برگ سبز، کارت ماشین و کارت
سوخت) پیکان مدل ۸۱ به‌شماره موتور 11158182086
شماره شاسی 0081584738 شماره انتظامی
۹۱ - ۴۹۱ ط ۲۴ به‌نام **قنبر ساریخانی** ساریخانی‌گلو مفقود
گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.